info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۷۶۶
چهارشنبه / ۱۷ دی / ۱۳۹۹
۲۲ / جمادی الاول / ۱۴۴۲
06 / January / 2021

صاحب‌امتیاز: موسسه هنگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: زاهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۲۲۵۵۳۲۸۳-۲۲۵۵۳۲۴۳-۰۲۶-۲۲۵۵۳۲۸۳ فکس: ۲۲۵۵۳۲۸۳
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۶۸۷۲۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

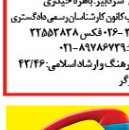

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

قاصدک

احساسم کجاست؟

احساسم کجاست
آن را در کدام حاشیه تاریک
جاگذاشته‌ای
در میان کدام بیقراری
کدام حصار اندوهگین خشونت
در درز کدام چه کنم، کدام عرف
نادیده‌ش انگاشتی
در دام کدامین خشم
کدامین عصیان
شکست و گریخت
در پهنه شکوهمند شادی‌ها
نشست و نگریست
ای ای این منم
که در رگ‌های خونین بی خبری
بغض می کنم
منم و احساس سکوت
احساس عشق منتظر ظهور
خودم خودی که در میان
انسان‌هاتنس می کشند
و نادیده‌ش می انگارند
ای احساس زیبای عشق
بر من بنمای خود را
شادی و شعف بیار
که ما در کوره راه خشونت و درد
تو را باز نمی شناسیم
تو را باز نمی یابیم
تو را کتمان می کنیم
با آن روح پر صلابت در پرواز
با آن تشعشع بی قرار بی فریب
کتمانت می کنیم
کتمان می کنیم

مرضیه عباسی

خبر

حق نشر آثار جرج اورول به پایان رسید؛ حالا چه می‌شود؟

شاید حق نشر بسیاری از آثار جرج اورول در انگلستان به پایان رسیده و به مالکیت عموم درآمده باشد اما محدودیت‌ها بیش از آنچه انتظار داریم باقی مانده است.

به گزارش پیام آشنا - گاردین نوشت جرج اورول در ۲۱ ژانویه ۱۹۵۰ در بیمارستان دانشگاه کالج لندن خیلی زود و تنها وقتی ۴۶ سال سن داشت از دنیا رفت. این به این معنی است که برخلاف همه‌چون آن که عمری طولانی داشتند، مثل گراهام گرین (۱۹۹۱ درگذشت) یا آنتونی پاول (۲۰۰۰ درگذشت)، حق نشر اکثریت قریب به اتفاق آثار او (تا به امروز ۷۱ جلد) با فرارسیدن سال جدیدبه پایان رسیده است. بطور طبیعی ناشران، که منتظر چنین فرصت‌هایی هستند از مدت‌ها پیش در تلاش‌اند تا از این تاریخ انقضا استفاده کنند و در چند ماه آینده قرار است شاهد اشباع بازار از نسخه‌های جدیدباشیم.

انتشارات دانشگاه آکسفورد در حال تولید نسخه‌های «کلاسیک جهان» از کتاب‌های مهم است و قرار است چندین کتاب بزرگ وارد بازار شود به عنوان مثال «چشم‌اندازهای ویران‌شهر» جرج اورول از انتشارات فلیم تری. همان طور که معمولا هنگام پایان حق نشر اتفاق می‌افتد، هیچ گاه مواد دیرای همه کاملا آزاد نیست. هر ناشر امریکایی به غیر از هاوتون میفلین که تمایل به نشر آثار اورول داشته باشد باید تا ۲۰۳۰ صبر کند. زمانی که «رویزهای برمه»، اولین کتاب اورول که در امریکا منتشر شد از مرز ۹۵ سالگی خود عبور خواهد کرد و ناشران مشتاق بریتانیایی باید مراقبت‌های خاصی انجام دهند. پروفسور پیتر دیویسون، محقق برجسته آثار اورول در اواسط دهه ۱۹۸۰ ویرایش‌های جدیدی از شش رمان او خلق کرد. هیچ‌کس نخواهد توانست این‌ها را بازتولید کند. زیرا حق چاپ آنها در حال حاضر متعلق به انتشارات پنگوئن رندوم هاوس است. تجدید چاپ کندگان جویای نام می‌بایست به متون نسخه‌های استاندارد در اواخر دهه ۱۹۴۰ برگردند، یا در مورد «دختر کشیش» و «به اسپیدیسترا‌ها رسیدگی کن» که اورول از هر دو بیزار بود -آنها را شر و بر توصیف می‌کرد- و در طول زندگی‌اش از تجدید چاپ‌شان خودداری کرد، به نسخه‌های اصلی سال‌های ۱۹۳۵ و ۱۹۳۶.

از سوی دیگر، هر نمایش‌نامه‌نویس، فیلم‌ساز یا سازنده بازی‌های کامپیوتری که بخواهد کاری درباره «مزرعه حیوانات» یا «۱۹۸۴» بسازد می‌تواند عملا هر کاری که دوست دارد انجام دهد. از میان تلاش‌های نافوذق برای به صحنه یا صفحه بردن این رمان‌ها، برجسته‌ترین آنها تلاش دیوید بویی، خواننده و بازیگر معروف انگلیسی در اوایل دهه ۱۹۷۰ بود. خالق اثری موزیکال از رمان ۱۹۸۴ بود که با ایراد نارضایتی سوینا بیوه اورول ناکام ماند. چند قطعه از این پروژه در آلبوم «سگ‌های المانی» دیوید بویی در سال ۱۹۷۴ آمده است. باعث تاسف است که او هرگز نتوانست رویای خود در این باره را محقق کند. کسی چه می‌داند شاید گروه موسیقی راک «فرکتیک مافکز» که در اولین آهنگ خود اشاراتی به رمان «۱۹۸۴» داشت، همین حالا سخت مشغول کار باشد.

خبر

موفقیت کودکان ایرانی در مسابقه نقاشی کائوژاپن

به گزارش پیام آشنا به نقل از خبرآنلاین، در این مسابقه فاطمه خسروینه ۱۵ ساله پنج عضو مراکز فرهنگی-هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از یازدهمین مسابقه بین‌المللی نقاشی محیط‌زیست کائو با موضوع «ما هم، ما دوست محیط‌زیست هستیم» که در سال ۲۰۲۰ در کشور ژاپن برگزار شد، جایزه گرفتند.

همچنین محمدمهدی عالی ۹ ساله عضو کانون اردبیل و عسل طوقی، دیگر عضو ۷ ساله مرکز و عرفان غلامی ۱۱ ساله به ترتیب اعضای مراکز کانون شهرهای بیرجند و بشرویه در استان خراسان‌جنوبی و محمدرضا موسایی عضو ۱۱ ساله مرکز ۲۱ کانون تهران موفق به دریافت «جایزه دوستی آکو» یازدهمین مسابقه بین‌المللی نقاشی محیط‌زیست «کائو» کشور ژاپن شدند.

کانون بشرویه نیز «جایزه ویژه هیات داوران» این دوره از مسابقه را دریافت کردند.

سارا خورشیدی: از روی رویاهاشان که بیدار شدند / هنوز صدای آب و پرنده می آمد

عکاس: حامد نصرآبادیان

مقاله

مصاحبه با کارآفرین بریتانیایی درباره ماهیت جدید کار

سال جدید؛ فرصتی برای جامعه‌سازی کسب‌وکارها

جامعه‌موفق‌بازنگری کنند.

سال ۲۰۲۰، کابوسی برای بسیاری از کسب‌وکارها از حوزه‌های مختلف و کشورهای گوناگون بود. بحران کرونا به یکباره بر جهان سایه افکند و ضررهای اقتصادی و انسانی بسیاری به جای گذاشت. کمتر کسی خاطره خوبی از ۲۰۲۰ دارد و شاید همه منتظر تمام شدن آن بودند. با این حال، همین شرایط دشوار، فرصتی برای بازنگری در شیوه فعالیت کسب‌وکارها پدید آورد. شاید بتوان ۲۰۲۱ را سال توجه بیشتر به بخش‌های انسانی و اخلاقی کار دانست و بازتاباد بیشتر یا مشتریان به سمت جامعه‌سازی رفت.

لستون مک‌گریگور که استاد مدعو سلامت بهزیری و عملکرد کسب‌وکارها در استنفورد و چند دانشگاه جهان غرب است، پیش از این با نوشتن کتاب‌هایی مانند «مدیرکل بهزیری» (Chief Wellbeing Officer) دغدغه‌های انسانی‌اش در کسب‌وکار را نشان داده است. او از سه سال گذشته پادکستی نیز با همین نام منتشر می‌کند. مک‌گریگور در آخرین پادکست خود سراغ رابی هرن، بنیان‌گذار شرکت مخابراتی گیف‌گف بریتانیا (giffgaff) و موسسه استندینگ آن چینتز (Standing on Giants)، رفته است. موسسه استندینگ آن چینتز هدف خود را همکاری با شرکت‌های برندمحور برای ایفای مسوولیت‌های اجتماعی و ارتباط نزدیک‌تر با جامعه تعیین کرده است. در این پادکست مجری و میهمان او به گفتوگو درباره جامعه‌سازی و ماهیت جدید کسب‌وکارها گفتوگو کردند. ترجمه آن را در زیر می‌خوانید:

مک‌گریگور: سلام رابی هرن، سال ۲۰۲۰ برای شما چطور بود؟

هرن: فکر می‌کنم ۲۰۲۰ برای اکثر مردم سال دشواری بود. فرد و نسب‌های فراوانی در این سال تجربه کردیم و تلخی‌های بسیاری چشیدیم اما برای من، دست‌کم از نظر شغلی و حرفه‌ای سال خوبی به‌نظر می‌رسید. ما از نظر شغلی، ارتباطات با کارکنان و کسب‌وکارهای دیگر به‌صورت‌های خوبی رسیدیم. درحال حاضر هم در همکاری با نشان‌های تجاری (برندهای) مختلفی هستیم که از طریق فضای مجازی قصد ارتباطات نزدیک‌تر با مشتریان و جامعه مخاطبان خود را دارند. به‌نظر من این روند جامعه‌سازی و ارتباطات عمیق‌تر به پیش رشروع شده بود اما فراگیری ویروس کرونا باعث تسریع آن شد.

اگر امکان دارد، درباره همکاری‌هایتان با کسب‌وکارها و شرکت‌های دیگر بیشتر توضیح دهید

اگر بخواهم به ساده‌ترین شکل ممکن توضیح دهم، باید بگویم که ما به مولکان خود (کسب‌وکارهای دیگر) کمک می‌کنیم که به‌صورت آنلاین و در تمام نقاط جهان، جوامعی تعاملی با مشتریان خود بسازند. برای این کار تا حدی از فناوری‌ها استفاده می‌کنیم؛ تا حدی از تکنیک‌های جامعه‌ساری بهره می‌بریم و در نهایت از علم مدیریت برای تدوین استراتژی‌ها و طراحی فرآیندها در راستای اهداف اجتماعی کمک می‌گیریم. کسب‌وکارها از مدت‌ها قبل به اهمیت جامعه‌سازی و ایجاد ارتباطات نزدیک با ذی‌نفعان خود پی برده بودند. اما اجرای این طرح به‌دلیل ابعاد مختلف آن کار آسانی نیست. ما به مولکان خود کمک می‌کنیم تا ابعاد مختلف کسب‌وکارشان را برای ایجاد یک جامعه موفق بازنگری کنند.

کسب‌وکارها مدت‌ها قبل از اهمیت ایجاد جوامعی وفادار از ذی‌نفعان اطلاع یافتند؛ چرا که مشاهده می‌کردند مشتریان غیروفادار به سادگی سراغ رقبای آنها می‌روند. شاید به همین دلیل بود که شرکت‌ها سراغ داستان‌گویی و سایر تکنیک‌های برندسازی رفتند. با این حال، چگونه اعتماد این شرکت‌ها را جلب کردید؟ ابتدای کار، پیدا کردن کسب‌وکارهایی که از شما کمک بخواهند، دشوار نبود؟

من در سال‌های گذشته هم همکاری‌ها و گفتوگوهایی با شرکت‌های مختلف داشتم. از طرفی سال ۲۰۰۹ با بنیان‌گذاری شرکت مخابراتی گیف‌گف در بریتانیا تمام تمرکز خود را بر مشتریان گذاشتیم و کوشیدیم به هر طریق ممکن افراد تحت پوشش شبکه مخابراتی خود را افزایش دهیم؛ حتی اگر نیاز به فروش قسطی موبایل یا ارائه سیم‌کارت‌های رایگان به آنها بود. به این صورت می‌توانم بگویم که در سال‌های فعالیت خود در محیط کسب‌وکار، تجربیات متفاوتی به‌دست آوردم که به فروش خدمات کنونی‌مان به مولکان مورد بوده است.

با این حال، همواره شرایط به همین سادگی نیست. کسب‌وکارها به تدریج به این درک می‌رسند که رمز موفقیت آنها در شرایط امروز، ایجاد جوامعی اصیل و مشتریان است. کسب‌وکاری موفق خواهد بود که آوردهای برای جامعه داشته باشد و جامعه مشتریان هم بتوانند اهداف خود را از طریق کسب‌وکار مدنظر تامین کنند. به رغم این آگاهی، این مقاومت روانی در کسب‌وکارها دیده می‌شود که نمی‌خواهند خود حقیقی‌شان را در معرض نمایش بگذارند. کسب‌وکارها از خود، نهایی شکست‌ناپذیر ساخته‌اند در صورتی که نمایش شکندگی‌ها به مشتریان نشان می‌دهد که ما هم انسان هستیم و می‌توانیم ارتباطاتی خالصانه با یکدیگر داشته باشیم.

کسب‌وکارها و شرکت‌های مختلف با توجه به ماشینی شدن و اهمیت مواردی مانند سود و زیان فعالیت‌هایشان، ماهیتی سخت به خود گرفته‌اند. درخواست شما برای نشان دادن جنبه‌های نرم و انسانی و بهویژه شکندگی آنها به‌عنوان ماهیتی برخاسته از جامعه، باید برایشان دشوار باشد. شاید آنها هم‌چنان ترجیح دهند پشت هویت ساختگی خود مخفی شوند و فقط به مشتریان بگویند چه خدماتی می‌توانند به آنها ارائه دهند. به‌نظر شما آمادگی چنین تغییر نگاهی را هم دارند؟

من فکر می‌کنم یکی از اهداف و آرمان‌های جمعی ما در این جهانی آسان‌تر است که جنبه‌های ماشینی آن کمتر باشد. در حال حاضر، بیش از اندازه هم چیز را ماشینی کرده‌ایم. بیش از اندازه هم چیز را با پول می‌سنجیم و شاید بیش از اندازه غرق در فناوری‌ها شده‌ایم. این موضوع را می‌توانیم در گسترش رسانه‌های اجتماعی ببینیم. الگوریتم‌هایی که تمایل در اینستاگرام، اسنفاده می‌شوند، جنبه‌های انسانی روابط را کاهش داده‌اند و صرفا از نگاه پول‌سازی به علایق مخاطبان توجه می‌کنند. این الگوریتم‌ها درکی از مسائل انسانی یا نگاه کل‌گرایانه به ماهیت وجودی انسان ندارند.

قصد منفی جلوه دادن فناوری‌ها را ندارم. به هر حال، ماشین‌ها و فناوری‌ها هم کاربردهای خود را دارند. به‌عنوان مثال، به لطف اینترنت بسیاری از هنرمندان در کشورهای مانند ونزوئلا به سادگی می‌توانند کارهای هنری خود را به مشتریانی از تمام کشورها بفروشند. با این حال، خوش‌بین هستم که در ۵۰ سال آینده، جهانی انسانی‌تر داشته باشیم و تاکید بیش از حد بر فناوری‌ها و ماشین‌ها کمرنگ شود. ارتباطات نزدیک کسب‌وکارها با مشتریانشان هم در راستای ایجاد جهانی است که اهداف انسانی و اجتماعی آن بهتر به‌دست آیند. در قدم‌های بعد هم سراغ ارتباطات نزدیک‌تری با دیگر ذی‌نفعان مانند سایر کنندگان، سرمایه‌گذاران و تامین‌کنندگان مواد اولیه خواهیم رفت. از آنجا که کسب‌وکارها در آینده فعالیت نمی‌کنند چنین نگاه کل‌گرایانه‌ای به جامعه و انسان‌ها می‌تواند منافع همه ذی‌نفعان را بهتر تامین کند.

شرکت‌ها بخشی از جامعه هستند و رابطه‌ای بدهبستان دارند. طبیعتا هیچ کسب‌وکار و شرکتی نمی‌تواند فقط از مزایای اجتماع استفاده کند و نفعی برای آن نداشته باشد. با این حال، چگونه ممکن است از نشان دادن شکندگی خود به سود برسند؟ آیا مثالی در این زمینه به یاد دارید؟

کسب‌وکارها و شرکت‌های مختلف با توجه به اهمیت ارتباط با ذی‌نفعان و ایجاد ارتباطات نزدیک با ذی‌نفعان خود پی برده بودند. اما اجرای این طرح به‌دلیل ابعاد مختلف آن کار آسانی نیست. ما به مولکان خود کمک می‌کنیم تا ابعاد مختلف کسب‌وکارشان را برای ایجاد یک جامعه‌موفق بازنگری کنند.

به‌نظر من Airbnb بهترین مثال برای این ادعا است. ابتدای سال ۲۰۲۰ و با فراگیر شدن کرونا، میزان مسافرت‌ها به شدت کاهش پیدا کرد. Airbnb به‌عنوان یک بستر دیجیتال بسیار بزرگ که میلیون‌ها نفر را در جامعه مشتریان و میزبانان سفر خود دارد، به شدت از این کاهش سفرها ضربه خورد. در نتیجه شرایط خاص‌اش را به حالت تعلیق درآورد. این اقدام باعث شد بسیاری از افرادی که خانه‌شان را برای پذیرایی از مسافران آماده کرده بودند، ناراحت و عصبانی شوند. آنها از مشکلات شرکت خبر نداشتند و فقط می‌دانستند که منبع درآمدشان، حتی در کشورهای توسعه‌یافته از کرایه دادن اتاق به مسافران است.

ما در همکاری با Airbnb این موضوع را به آنها یادآور شدیم و خواستیم شکندگی خود را به نمایش بگذارند. آنها هم چنین کردند. در اعلامیه‌هایی شرایط مالی موجود و مشکلات پیش آمده را برای مشتریان و میزبانان سفر تشریح کردند. به محض بیان این مشکلات، ارادی جمعی برای حل مشکلات شکل گرفت. همه افراد ذی‌نفع به تلاش برای حل این مشکلات برآمدند و در نهایت فعالیت‌هاتان سر گرفت. شد. میزبانان با درک دغدغه‌ها و مشکلات مسافران، فضایی استریل و ایمن و ارزان فراهم کردند و مشتریان هم با خیال آسوده‌تر به سفرها و اقامت‌های خودشان پرداختند. در نتیجه مشکلات شرکت هم کمرنگ شد. ایراد آن بود که در مقطعی، ارتباطات بین ذی‌نفعان ضعیف شد و آنها صحبتی در مورد مشکلات و دغدغه‌هایشان به یکدیگر نمی‌کردند.

به‌عنوان سوال آخر، تصور نمی‌کنید که درخواست شما از شرکت‌ها برای چنین تغییرات بزرگی در نگرش و شیوه فعالیت‌هایشان، بیش از حد رویایی‌دارانه است؟

حق با شما است ولی یک زیست‌شناس بزرگ انسان را یکی از خلق‌الامه‌ترین موجودات می‌داند. ما یکی از ۲۰ جاندارى هستیم که تاکنون تعاملات اجتماعی‌شان ثبات شده است. شیوه تکامل ما در دوره‌های مختلف تاریخ ۲۰۰ هزار سال‌مان به همراه شیوه‌های تعامل‌مان بسیار شگفت‌انگیز بوده‌است.

اکنون هم چنین است. نمی‌توانیم به‌عنوان یک موجود اجتماعی، هویت خود را فراموش کنیم و به شکل ماشینی و با اتکا به اعداد و ارقام فعالیت کنیم. از طرفی این نگرش تناقضی با توجه به‌صورت‌های سود و زیان ندارد و فقط بسط یافته آن است. ما به‌عنوان موجوداتی اجتماعی، سرنوشتی یکسان خواهیم داشت به رغم تمام تضادها. تناقض که ممکن است گاهی بروز کند، سرنوشت یکسانی داریم. شرکت‌ها یا جامعه‌سازی و ارتباطات عمیق و انسانی با ذی‌نفعان خود، می‌توانند به تحقق اهداف جمعی کمک کنند. این درک به مرور ایجاد خواهد شد که عملکرد هر فرد بر دیگران هم اثر می‌گذارد. به‌عنوان مثال، در مشکل گرمایش جهانی با مسأله‌ای مواجه هستیم که تمام بشریت را تهدید به انقراض می‌کند. زمانی که فعالیت‌هایمان را در راستای این منافع و دغدغه‌های جمعی سازماندهی کنیم و ذی‌نفعان را هم از شرایط و مشکلات خود مطلع سازیم، حمایت‌های آنها را در مسیر خود خواهیم داشت.

مترجم: مهدی نیکوئی

برگه

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۴۶	۰۷:۱۷	۱۲:۱۳	۱۷:۰۸	۱۷:۲۷

آدمی ساخته‌ی افکار خویش است فردا همان خواهد شد که امروز می‌اندیشیده است.

موریس مترلینگ

پرده جراید

اشعار نظامی را به پنج زبان می‌شنویم

اعتماد- در نشست خبری بخش دوم از مجموعه پروژه‌های موسیقی «هفت پیکر» (Seven Beauties Music Projects)، به خوانندگی عالیم قاسم‌اف (از جمهوری آذربایجان) و شعیب شهابی (از ایران) با عنوان «آیینه پنهان» (Invisible Mirror)، توضیحاتی دیاره وقفه دو ساله در معرفی فعالیت‌های این پروژه ارایه شد. در این نشست همچنین اعلام شد قطعات این آلبوم در مقاطع زمانی کوتاه و به مناسبت‌های مختلف منتشر می‌شودبه گزارش ایسنا، پروژه موسیقی «هفت پیکر» از سال ۲۰۱۶ با همکاری پنج کشور فرانسه، کانادا، جمهوری آذربایجان، ترکیه و ایران، با مدیریت استیتوی تخصصی هنرهای معاصر خاورمیانه و اروپا (SAFPEM Institute)، آغاز شد. پروژه مذکور براساس اشعار شاعر ایرانی نظامی گنجوی طراحی شده که با ترکیبی از صداها و سازهای الکترونیک و آکوستیک و در پنج زبان شامل فرانسه، ترکی آذربایجانی، عربی، کردی و فارسی اجرا شده است. مدیران اجرایی این پروژه را سعید خاورنژاد (آهنگساز ایرانی) و Selvam Thorez مدیریت فرهنگی کشورهای شرق آسیا در استیتو فرانسه بر عهده داشته‌اند. در ابتدای این نشست که طی روزهای گذشته برگزار شد و هم‌اینک جریان آن از طریق روابط عمومی برنامه در اختیار رسانه‌ها قرار گرفته است شعیب شهابی درباره نحوه شکل‌گیری مجموعه پروژه‌های موسیقی «هفت پیکر» و انتخاب عالیم قاسم‌اف توضیحاتی را ارایه داد. او در بخشی از صحبت‌هایش گفت: پس از نهایی شدن فرم‌ها و ایده اصلی و با هدف هم‌سویی هرچه بیشتر بین دو فرهنگ ایران و آذربایجان، در نهایت گزینه هفت‌پیکر نظامی گنجوی به عنوان قالب اشعار پروژه توافق شد. نظامی گنجوی شعری به ترکی آذربایجانی ندارد و به ناچار ترجمه‌هایی از اشعار او مورد استفاده قرار گرفت. این شد که در ادامه به قالب چندزبانه بودن پروژه توجه بیشتری نشان دادیم و البته به لحاظ منابع نیز چنین زمینه‌ای در حد نیاز میسر بود. شهابی تصریح کرد: همچنین وجه داستانی و تصویر پردازانه اشعار نظامی ایجاد امکان بسیار مناسبی برای خلق فضاهای بدیع و بینارشته‌ای در پروژه ایجاد می‌کرد به عنوان نمونه در ویدئوکلیپ اول این پروژه با عنوان «شهر سیاه‌پوشان» (Black Land)، شاهد برداشتی بر پایه داستان گنبد سیاه از گنجینه هفت‌پیکر نظامی هستیم و حتی شخصیت‌پردازی خوانندگان اثر در کلیپ بر اساس جوانی و پیری بهرام گور طراحی و فکر شده است در ادامه سعید خاورنژاد درباره تعامل اولیاش با شعیب شهابی به عنوان خواننده مجموعه پروژه‌های موسیقی «هفت‌پیکر» مطالبی را عنوان کرد. خاورنژاد درباره تعامل اولیه با قاسم‌اف، نیز گفت: پس از رایزنی‌های اولیه درباره ویژگی موسیقایی آثار با استاد قاسم‌اف و هم‌فکری بیشتر با شعیب عزیز، در نهایت به استاد پیشنهاد ساخت فضاهایی اگر سیوباشر بافته‌گر هایی بسیار متنوع، تند و در ترکیبی از فضاسازی‌های الکترونیک را دادم و ایشان نیز تا باروی باز پذیرفتند. باید تاکید کنم علاقه و شجاعت استاد قاسم‌اف به نوآوری‌های جسورانه در تجربه فضاهای موسیقایی متفاوت یکی از بزرگ‌ترین درس‌هایی بود که از این استاد موسیقی دستگاهی دریافت کردم. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شعیب شهابی به عنوان خواننده ایرانی، امکان اجرای جسورانه او در خواندن به سبک‌ها و زبان‌های بسیار متنوع، بدون ترس از قضاوت‌های احتمالی است. در همین پروژه هم او به چهار زبان فرانسه، فارسی، عربی و کردی قطعاتی را به‌خوبی اجرا کرده و این موضوع برای استاد عالیم قاسم‌اف بسیار مورد علاقه بوده است. خاورنژاد درباره فرم و محتوای پروژه «هفت‌پیکر» گفت: معتقدم فرم‌ها متاثر از محتوای اثر هستند و فرم پروژه هفت‌پیکر نیز به‌شدت تحت تاثیر محتوای آن شکل گرفته که شاید تاکنون‌ها با فرم‌های شنیداری روتین فاصله داشته باشد و البته همان‌طور که گفتم به کارگیری و امکانات زبان‌های گوناگون نیز پارامتر مهمی در رسیدن به فرم‌های ترکیبی متفاوت بوده است. خاورنژاد درباره وجوه مشترکی که قطعات آلبوم را به هم متصل می‌کند، گفت: آنچه آثار متفاوت و قطعات چندزبانه و گاه متفاوت در آلبوم را به هم مرتبط می‌کند، صدای عالیم قاسم‌اف بوده که به عنوان محور اصلی پروژه و نقطه اتصال قطعات به یکدیگر فکر شده است. یادآور می‌شوم که به عنوان متریال اولیه ساخت پروژه، حدود سه ساعت آواز سُلوی ضبط شده از استاد قاسم‌اف در دست داشتم که اساس ساخت قطعات را بر آن پایه طراحی می‌کردم. البته گاه برای هماهنگی بیشتر بخش‌های آوازی با قطعات ساخته‌شده، برخی از خوانش‌ها در حالت و فرمت دیگری بازخوانی می‌شد و استاد صبورانه، بارها برخی قطعات را هم تکرار و بازخوانی می‌کردند. تا در نهایت به صدای مورد رضایت ایشان و گروه رسیدیم. به طبع موضوع این سختگیری‌ها علاقه من به بافت‌ها و محدوده صدایی بسیار گسترده از صدای عالیم قاسم‌اف بود که سعی می‌کردم این لحظات ناب را برای پروژه خودمان به نوعی شکار کنم. حال که نتیجه را در اثر نهایی می‌شنوم، شاهدم که نحوه اجرا و آواز خوانی او ماندنی دیگر آثارش نیست و متفاوت است.

این تفاوت برایم احساس به‌شدت خوشایندی است. همچنان که خود استاد نیز در نشست موزه موسیقی تهران اظهار داشتند که این پروژه یکی از بزرگ‌ترین و متفاوت‌ترین همکاری‌های ایشان در مختصات جهانی در سال‌های اخیر بوده است. او همچنین درباره ارتباط زبانی‌اش با قاسم‌اف گفت: من زبان ترکی بلد نیستم و اولیا از طریق مترجم با استاد حرف می‌زدم و البته کلام و ترجمه‌های آوازها را از پیش می‌دانستم، اما لازم بود برای ارتباط دقیق‌تر، دست کم اندکی با زبان ترکی آشنا شوم؛ این بود که گاه پیامها را با کمک مترجم و با ضبط صدای خودم برای ایشان ارسال می‌کردم تا نکات تخصصی مورد نظر دقیق‌تر انتقال پیدا کند. شهابی درباره وقفه دو ساله در معرفی اخبار فعالیت‌های پروژه «هفت‌پیکر» گفت: به لحاظ اجرایی وقفه‌ای در پروژه نبوده است. بخش‌هایی از کار طی دو سال گذشته در خارج از ایران در حال انجام بوده است که از آن جمله رومانیایی ویدئوکلیپ اول پروژه با عنوان Black Land در مرکز فرهنگی جمهوری آذربایجان در پاریس و به موازات برپایی نمایشگاهی از پاورقه عکس مانده‌گار از استاد قاسم‌اف در این مرکز بوده است. همچنین در طول دو سال گذشته پروژه کتاب «زیر گذاشت عالیم قاسم‌اف» با عنوان «عالیم قاسم‌اف در شصت سال» (Alim Qasimov in Sixty Years) با مدیریت همین مجموعه و توسط انتشارات فرانسوی-انگلیسی Storia Editions در قالب ۵۱۰ صفحه انتشار یافت. بخشی از پروژه «هفت‌پیکر» نیز در قالب کنسرتی با همین نام در سالن اصلی سازمان جهانی یونسکو روی صحنه رفت. در پایان شعیب شهابی درباره نحوه انتشار آلبوم «هفت‌پیکر» و قطعات آن توضیحاتی داد: با توجه به عنوان هفت‌پیکر نظامی، هفت قطعه اصلی در آلبوم تعریف شده است که قصد داریم در مقاطع زمانی کوتاه و به مناسبت‌های مختلف این قطعات را منتشر کنیم. البته با هم‌فکری کمپانی مقام در خاورمیانه بنا شد، با توجه به شرایط بیماری کرونا به زودی قطعه دیگری از آلبوم اصلی را با افتخار در دسترس علاقه‌مندان قرار دهیم. همچنین کلیپ‌هایی هم برای برخی قطعات ساخته شده که در ادامه این روند، آنها را گرمایش جهانی با مسأله‌ای مواجه هستیم که تمام بشریت را تهدید به انقراض می‌کند. زمانی که فعالیت‌هایمان را در راستای این منافع و دغدغه‌های جمعی سازماندهی کنیم و ذی‌نفعان را هم از شرایط و مشکلات خود مطلع سازیم، حمایت‌های آنها را در مسیر خود خواهیم داشت.

از تمام خوانندگان پیام آشنا می خواهیم، یکی از مهم ترین مشکلاتی که در محله ی زندگی خود با آن دست به گریبان هستید برایمان پیامک کنید تا در ستون «پیامک های وارده» با نام تان-در صورت تمایل-منتشر شود.

SMS
۳۰۰۰۴۸۰۲۶۰۰۲۰